

بررسی حکم فقهی «تولید یا واردات محصولات تراریخته» با تکیه بر قاعده ی لاضرر

مجید ابطحی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۷

چکیده

به رغم توسعه ی روزافزون محصولات تراریخته در سراسر دنیا، این محصولات از موضوعات پرچالش در سراسر دنیا از جمله کشور ایران است. با توجه به اختلاف نظر دانشمندان حوزه ی زیست فناوری در مورد مزایا و مضرات این محصولات، جامعه - خصوصاً بخش علمی و نخبگانی - هنوز در این مورد به آرامش خاطر نرسیده است. در تراز قواعدی مانند «حرمت تغییر خلقت الهی»، «نفی سلطه ی کفار» و دیگر قواعد فقهی، قاعده ی «لاضرر» نیز می تواند روزه ای دیگر برای بررسی فقهی این محصولات باشد. در این پژوهش تلاش بر این بوده که نخست مضرات این محصولات از جنبه های گوناگون روشن شود و پس از تبیین موضوع، با تکیه بر «قاعده ی لاضرر» حکم فقهی تولید محصولات تراریخته بیان شود. در بخش موضوع شناسی از روش تجربی و در بخش فقهی از روش نقلی-تحلیلی استفاده شد. پس از موضوع شناسی و بررسی دقیق ماهیت این محصولات با استفاده از مقالات معتبر بین المللی، با تطبیق «قاعده ی لاضرر» نتیجه این شد که بخشی از انواع محصولات تراریخته، ضرر قطعی داشته و بخشی از آنها احتمال ضرر دارند و این احتمال - به دلیل اعتبار بالای پژوهش های تجربی موجود - معتنا به بوده و مشمول قاعده ی مذکور است؛ در نتیجه تولید یا واردات بی قاعده ی این محصولات حرام خواهد بود.

کلید واژگان: تراریخته، زیست فناوری، قاعده لاضرر، ضرر، ضرار.

^۳ دانش پژوه سطح ۴، مرکز فقهی و اصولی کریم اهل بیت علیه السلام.



مقدمه

پیدایش علوم، صنایع و روش‌های زندگی جدید در عرصه‌ی گسترده‌ی زندگی بشر، فقیهان را بر آن داشت که برای به دست آوردن احکام موضوعات جدید و شناخت جایگاه فقهی آنها به تعمق و تأمل اجتهادی دست یازند و به گسترش دامنه فقه پردازند. علی‌رغم مواجهه‌های متنوع فقها با دانش‌ها و صنایع جدید، همگی در احترام به اصل علم و پیشرفت‌های علمی اتفاق نظر داشته و با توجه به نیاز بشر امروز - از جمله جامعه‌ی مسلمین - به علوم روز، نگاهی حمایتی و توسعه‌ای به علوم مذکور را در پیش گرفتند. در نتیجه اصل را بر جواز و اباحه‌ی رشد علوم و پیشرفت صنایع گذاشته و جز در موارد اندکی که به زندگی دنیوی یا اخروی بشر آسیبی وارد می‌شود مخالفتی با این علوم نداشتند. علم زیست فناوری (بیوتکنولوژی) نیز از این قاعده مستثنا نبوده و تا جاییکه به اصلاح زندگی بشر کمک می‌کند، استفاده و ترویج این علم جایز و بلکه در شرایطی وجوب نیز خواهد داشت.

مسئله‌ی تولید و واردات محصولات تراریخته به عنوان بخشی از علم زیست فناوری از جمله مسائلی است که ورود فقه برای روشن کردن چارچوب آن بایسته به نظر می‌رسد. نظر به نوپدید بودن این مسئله، در میان فقهای سابق، پژوهشی در این خصوص به چشم نمی‌خورد اما محققین معاصر تحقیقات متعددی - در قالب مقالات دانشگاهی و طبیعتاً با رویکرد تجربی - در این موضوع انجام داده‌اند. با این وجود مقالاتی که دیدگاه شریعت (فقه) را پیرامون این مسئله مورد بررسی قرار دهد انگشت‌شمار است. عجیب‌تر آنکه در بسیاری از مقالات - اعم از مقالاتی که با رویکرد تجربی نوشته شده‌اند یا با رویکرد فقهی - سوگیری نویسندگان که پژوهش را از اتقان علمی خالی می‌کند، به چشم می‌خورد.^۴ ناگفته نماند فقها و متخصصین دانش فقه نیز در این مورد به پژوهش‌هایی که از اتقان و اعتبار کافی برخوردار بوده و با روش فقهی انجام شود روی آورده‌اند؛ لکن در این میان

^۴ احسانی، کیوان، بررسی حکم فقهی مصرف محصولات تراریخته با توجه به منابع قرآنی و روایی. / نیز: غنی زاده، مهدیه، حکم تکلیفی تولید محصولات تراریخته از منظر فقه امامیه.

پژوهشی با تکیه بر قاعده ی لاضرر یافت نشد. دانشیان فقه در این مساله عمده ی توجه خود را به بحث «تغییر خلقت اولیه ی موجودات» معطوف ساخته و با خدشه در کبری و صغرای مساله، نتیجه ی حلیت و اباحه را به دست آورده اند (علیدوست، ابولقاسم، مبانی فقهی مهندسی ژنتیک و محصولات تراریخته)، حال آنکه در حوزه ی محصولات تراریخته، قواعد فقهی گوناگونی قابلیت بررسی دارند که شاید مهم ترین آنها قاعده ی لاضرر باشد. در این نوشتار ابتدا به تبیین چیستی محصولات تراریخته و مضرات آن پرداخته می شود، که طبیعتاً از تحقیقات تجربی و روش کتابخانه ای بهره خواهیم برد. بعد از تبیین کامل موضوع، بحث پیرامون قاعده ی لاضرر خواهد بود که با توجه به اینکه عمده ی مباحث حول دلایل لفظی است، از روش نقلی و استظهار از ادله استفاده خواهد شد.

موضوع شناسی محصولات تراریخته

در این بخش، ماهیت محصولات تراریخته، اهداف تراریخته سازی و نیز فواید و مضرات این محصولات، جهت روشن تر شدن موضوع و ارائه ی یک حکم فقهی صحیح، بیان می شود.

تعریف محصول تراریخته و هدف از تراریخته سازی

انجمن بیوتکنولوژی ایران به نقل از سازمان بهداشت جهانی در تعریف تراریخته می گوید: محصولات تراریخته به گیاهان، جانوران یا موجودات میکروسکوپی گفته می شود که ترکیب ژنتیک آنها (DNA) به طریقی تغییر یافته که در طبیعت از راه جفت گیری یا نوترکیبی طبیعی اتفاق نمی افتد (پایگاه اطلاع رسانی انجمن بیوتکنولوژی ایران. <https://irbic.ir/۱۲۷۷۳>، همچنین ر.ک: «کاظمی، مائده، بررسی مسئولیت کیفری مواد تراریخته و زیست فناوری و خسارات ناشی از آن در حقوق کیفری ایران»)

در حقیقت ژنی بیگانه وارد ساختار ژنی این محصولات می شود و این کار با هدف انتقال یک خاصیت معین از موجود مهمان به میزبان صورت می گیرد. به این ترتیب غالباً هدف از مهندسی ژنتیک، انتقال یک یا چند ژن به یک موجود (اعم از گیاه یا حیوان) است که در صورت موفقیت، یک ویژگی جدید به آن افزوده می شود.





همچنین در تعریف موجودات تغییر ژنتیک یافته، گفته شده: موجوداتی هستند که از طریق روش‌های مهندسی بیوتکنولوژی و مهندسی ژنتیک، تغییری در ساختار ژنتیکی آنها ایجاد می‌شود و نیز غذاهای تولید شده، حاوی یا حاصل از موجودات تغییر ژنتیک یافته را غذاهای تغییر ژنتیک یافته یا تراریخته (GMO) می‌نامند (معاونت غذا و دارو کرمانشاه (کارشناس مدیریت نظارت بر مواد غذایی، آرایشی و بهداشتی)).

با این روش می‌توان موجود زنده را نسبت به برخی آفت‌ها، حشرات یا حتی بیماری‌ها، مقاوم کرد. برای مثال انتقال ژن یک حیوان مقاوم به سرما، به میوه‌ی گوجه‌فرنگی، تحت شرایطی سبب مقاومت گوجه‌فرنگی دستکاری شده (تراریخته) نسبت به سرما خواهد شد؛ همچنین با انتقال ژن خاصی به یک گیاه می‌توان آن را نسبت به برخی سموم مقاوم کرد.

از مهمترین اهداف تولید محصولات تراریخته افزایش محصولات غذایی بود. به دنبال افزایش آفات در محصولات کشاورزی، عده‌ای به این نتیجه رسیدند که می‌توان با روشی مانند واکسینه کردن انسان‌ها، گیاهان را نیز از درون خود گیاه، واکسینه کنند تا در برابر سموم شیمیایی مقاوم باشند. در تولید محصولاتی که مقاوم به علفکش گلایفوسیت هستند، روش کار به این شکل بود که ابتدا ژن یک باکتری به نام بی تی^۰ - که باکتری موجود در خاک بوده و مقاوم به علف کش گلایفوسیت است - وارد گیاه می‌شود، هنگامی که ژن به هسته‌ی سلول شلیک می‌شود به درون DNA نفوذ کرده و پروتئینی تولید می‌کند که گیاه را در برابر علف کش مقاوم می‌کند. در نتیجه زمانی که از سموم شیمیایی استفاده می‌شود، تمامی علف‌های هرز از بین رفته و تنها محصولات مقاوم به علف کش گلایفوسیت (که سم بی تی را در درون خود دارند) باقی می‌مانند.

^۰ Bacillus thuringiensis Berliner (BT)

برخی از متخصصین از ماده‌ی گلایفوسیت (که نام تجاری آن راندآپ است) به عنوان علف کش مخصوص این محصولات یاد کرده و می‌گویند ژن مقاومت که در محصولات تراریخته‌ی مقاوم به علف کش وجود دارد بر اساس ماده‌ی گلایفوسیت ساخته شده است.^۶

تفاوت تراریخته سازی با روش های قدیمی اصلاح بذر

از جمله مغالطه های رایج در این زمینه، خلط بین «تراریخته سازی» و «اصلاح بذر به روش های سنتی و پیوند گیاهان به همدیگر» است. حال آنکه هر محصول اصلاح شده ای لزوماً تراریخته نیست؛ در روش های قدیمی اصلاح بذر، ژن بیگانه ای وارد محصول نمی شود؛ به عنوان مثال دو گونه گیاهی و یا جانوری با هم تلاقی داده می شوند که صفت جدیدی پدیدار شود؛ مثلاً گل های یک گندم پا کوتاه و یک گندم پا بلند تلقیح می شوند تا صفات دو گیاه به همدیگر منتقل شوند. در حالی که در محصولات تراریخته با روش مهندسی ژنتیک، ورود ژنی بیگانه به محصول، باعث تغییر در ساختار ژنتیکی محصول می شود، تغییراتی که قطعاً با طبیعت اولیه ی موجود زنده هم خوانی نداشته و آسیب های نامعلومی به سیستم آن وارد می کند.

در ادامه جهت روشن شدن مسئله به توضیحاتی از دکتر داوود حیات غیب (معاون دفتر پژوهش و توسعه فناوری محیط زیست) می پردازیم:

"چیزی که مهندسی ژنتیک ایجاد کرد و در نوع خودش یک نوع تحول علمی بزرگی محسوب می شد این بود که این اصلاح ژنتیکی را بین دو گونه ای که از یک خانواده نبودند انجام داد. یعنی مثلاً از یک باکتری به یک گیاه که در طبیعت به طور معمول اتفاق نمی افتد و شاید مواردش در طبیعت در طی میلیون ها سال چند مورد به خصوص باشد ولی این کار در آزمایشگاه ظرف ۲ سال انجام می شود. مثلاً اگر یک باکتری ژنی دارد که می تواند حشرات را از بین ببرد، دانشمندان بیوتکنولوژی می توانند آن ژن را به گیاهی مثل ذرت یا

^۶ دکتر علی اردکانی، متخصص ژنتیک و فوق تخصص زیست فناوری (از آمریکا) / دکتر مهدی مرادیار (متخصص ژنتیک مولکولی و بیوتکنولوژیست): (<http://www.agbiotech.ir/vi/۴۶۹-۴۶۹.html>) همچنین رک:

<http://www.agbiotech.ir/vi/۴۵۳-۴۵۳.html>





برنج یا هر گیاهی که آفت دارد منتقل کنند. در این صورت گیاه ما آن ژن را دریافت می‌کند. آن ژن داخل ژنومش می‌رود و مثل یک ژن عادی آن عمل می‌کند که همان سم که در باکتری بود را این بار در گیاه تولید می‌کند و خودش یک کارخانه تولید سم می‌شود. به این ترتیب می‌تواند آفات را از بین ببرد. به این ترتیب محصولاتی به دست می‌آید که با عنوان مقاوم به آفات شناخته می‌شود." (<https://www.yjc.news/۰۰NPVf>)

فواید محصولات تراریخته

برخی محققین معتقدند استفاده از روش‌های مهندسی ژنتیک در تولید محصولات کشاورزی منافی از این قبیل دارد:

- استفاده نکردن از سموم حشره کش و قارچ کش در تولید این محصولات
- ارزش غذایی بیشتر در این محصولات، خصوصا محصولات اصلاح شده جهت افزایش کیفیت غذایی
- کاهش آلودگی محیط زیست به دلیل کاهش مصرف سموم شیمیایی آفتکش و کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای
- احتمال دسترسی به غذای ارزان‌تر به دلیل کاهش هزینه‌های تولید
- بهبود کیفیت آب شرب و جلوگیری از آلودگی رودخانه‌ها به دلیل کاهش مصرف سم و دفع آفات نباتی
- افزایش تنوع ژنتیکی؛ به دلیل امکان ورود دوباره واریته‌هایی که به علت حساسیت به آفات و بیماری‌ها حذف شده‌اند (بررسی وضعیت قوانین و مقررات حوزه محصولات تراریخته و ایمنی زیستی در کشور، گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (<https://rc.majlis.ir>))

دسته‌ی دیگری از محققین بر این باورند که موارد فوق ادعایی بیش نبوده و نیاز به اثبات دارند، به عنوان مثال کاهش آفت‌کش‌ها، کاهش آلودگی محیط زیست، افزایش تنوع ژنتیکی و بسیاری از منافع دیگر ادعاهایی هستند که دقیقا خلاف‌شان ثابت شده که

در بخش مضرات و مخاطرات مطرح خواهد شد. همچنین برخی منافع، صرفاً احتمال است و به نظر می‌رسد مدافعان محصولات تراریخته، خود نیز تا به حال به گزارشی از این منافع دست نیافته‌اند.

تفصیل این پاسخ‌ها در بخش مضرات و مخاطرات خواهد آمد و در این بخش به پاسخی که در مقاله‌ای در سایت «نیویورک تایمز» آمده است بسنده می‌کنیم. این مقاله نشان می‌دهد ادعاهایی مانند افزایش عملکرد محصول، کاهش آفت‌کش‌ها و سلامت کشاورزان، بی‌پایه بوده است. در این مقاله آمده است: "حدود ۲۰ سال پیش، ایالات متحده و کانادا، معرفی محصولات دستکاری ژنتیکی در کشاورزی را در دستور کار قرار دادند. اروپا تا همین الان این فناوری را نپذیرفته و استفاده نکرده است؛ در عین حال در این زمان در «افزایش عملکرد محصولات» و «کاهش استفاده از آفت‌کشها» از امریکا که محصولات تراریخته در آن به صورت گسترده کشت شده، موفق‌تر بوده است".^۷ تفصیل مطالب همراه با نمودارهای آماری در سایت «نیویورک تایمز» موجود است.^۷

با توجه به مخاطرات و مضراتی که محصولات تراریخته دارند، امروزه در سراسر دنیا نگرانی‌هایی در مورد این محصولات وجود دارد که باعث شده دانشمندان و متخصصان زیادی از رشته‌های گوناگون، نسبت به تولید و مصرف آنان واکنش نشان داده و در قالب مقالات و کتاب‌ها، مستندات متعددی در این زمینه ارائه کنند. بخشی از این مضرات توسط آزمایشات تجربی ثابت شده و برخی هنوز ابهام داشته و خطرات بالقوه محسوب می‌شوند. نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد این است که محصولات تراریخته در تمام ابعاد زندگی انسان‌ها -مانند خوراک، آب و هوا- تأثیرات بنیادینی می‌گذارند؛ به عنوان مثال اگر سویا یا ذرت در کشوری تراریخته باشد محصولات غذایی بی‌شماری که از این ماده ترکیب می‌شوند، محصولات تراریخته خواهند بود. همچنین اگر حیواناتی مانند گاو، گوسفند یا

^۷https://www.nytimes.com/interactive/2016/10/30/business/gmo-crops-pesticides.html?_r=



مرغ از دانه های تراریخته استفاده کنند، بخش زیادی از محصولات گوشتی و لبنی-اعم از ماست، شیر، پنیر و...- تبدیل به محصولات تراریخته خواهند شد!

مضرات و مخاطرات محصولات تراریخته

در این بخش مضرات و مخاطرات محصولات تراریخته به صورت اجمالی بیان می شود. تمامی آسیب‌های ذکر شده حاصل تحقیقاتی است که پژوهشگران متخصص در این رشته انجام داده اند. در حقیقت هدف از ارائه ی این مستندات، ایجاد موضوع برای «قاعده‌ی لاضرر» که بحث اصلی مقاله است، می باشد.

آسیب ها و مضرات محصولات تراریخته را می توان در چند حوزه دسته بندی کرد:

۱. مضرات نسبت به انسان ها و حیوانات

۲. مضرات نسبت به محیط زیست و گیاهان

۳. مضرات اقتصادی

۴. مضرات امنیتی و سیاسی

به جهت رعایت اختصار، در این مقاله به مضرات این محصولات نسبت به انسان ها و حیوانات و محیط زیست اکتفا شده است. نکته قابل توجه این است که اولاً تبعات وجود این محصولات در گیاهان و حیوانات، معمولاً دامن گیر انسان‌ها نیز می شود؛ در نتیجه برخی از آسیب های ذکر شده در بخش محیط زیست را می توان به عنوان مضرات این محصول بر انسان‌ها نیز به شمار آورد. ثانیاً با توجه به اینکه نمی توان از انسان‌ها به عنوان نمونه‌های آزمایشی استفاده کرد، آزمایشاتی که بر روی حیواناتی مانند موش یا خوک انجام شده، با توجه به اسلوب‌های ویژه علوم تجربی و آزمایشگاهی، گاهی اوقات قابل تعمیم به انسان ها نیز هستند. با لحاظ این نکته، آزمایشاتی که نشان دهنده بیماری‌هایی در حیوانات گوناگون هستند -مانند کبد موش یا معده خوک- بی ارتباط با بدن انسان‌ها نیستند و نمی توان از کنار این عوارض به سادگی عبور کرد.



مضرات نسبت به انسان‌ها و حیوانات

۱. اختلال رحم موش‌ها بر اثر «علف کش گلايفوسیت»^۸

تحقیقات نشان می‌دهد قرار گرفتن نوزاد در معرض علف‌کش‌های مبتنی بر گلايفوسیت (GBH) باعث اختلال در رشد رحم پس از تولد در دوره نوزادی و قبل از بلوغ می‌شود. همه این تغییرات ممکن است تمایز عملکردی رحم را تغییر داده و بر باروری زنان تأثیر بگذارد و یا باعث پیشرفت نئوپلازی‌ها شود.

۲. سمی بودن «علف‌کش‌های مبتنی بر گلیفوسایت مانند رانداپ» در غلظت‌های بسیار

پایین برای سلولهای کلیوی جنینی انسان

تحقیقات نشان می‌دهد این علف‌کش‌ها بسیار سمی هستند و باعث کاهش طول عمر برخی موجودات زنده می‌شوند.^۹

۳. ایجاد بیماری‌های کبدی و کلیوی بر اثر استفاده از برخی محصولات تراریخته

مانند ذرت تراریخته

اطلاعات حاصل از تحقیقات نشان می‌دهد که علائم مسمومیت کبدی و کلیوی مشاهده شده در مطالعه ۹۰ روزه بر روی مصرف ذرت تراریخت^{۱۰}، در طی یک دوره طولانی به بیماری‌های حاد تبدیل می‌شود. علاوه بر این، اثرات منفی مشابه بر روی سلامتی موش‌ها در

^۸ <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/۲۷۲۸۷۰۵۶>

^۹ De Vendômois, J. S., Roullier, F., Cellier, D., & Séralini, G. E. (۲۰۰۹). A comparison of the effects of three GM corn varieties on mammalian health. *International journal of biological sciences*, ۵. Séralini, G. E., Clair, E., Mesnage, R., Gress, S., Defarge, N., Malatesta, M., & Vendômois, J. S. (۲۰۱۴). Republished study: long-term toxicity of a Roundup herbicide and a Roundup-tolerant genetically modified maize. *Environmental Sciences Europe*, ۲۶(۱), ۱۴. (۷), ۷۰۶.

^{۱۰} NK۱۰۳ (Hammond et al., ۲۰۰۴; De Vendômois et al., ۲۰۰۹)





همه گروه‌های تیماری (تغذیه کننده از ذرت GM ۱۷۶ Bt ۱۷۶ GM همراه با علفکش و یا بدون علفکش و یا علفکش به صورت مجزا) مشاهده شد.^{۱۱}

۴. اثرات ذرت تراریخته (Bt ۱۷۶)^{۱۲} بر گاوهایی که با این ذرت تغذیه شده اند

طی یک تحقیق علمی گاوهای شیری که در رژیم غذایی آنها از ذرت تراریخت (Bt ۱۷۶) به مدت چندین سال (۲۰۰۵-۱۹۹۷) استفاده می‌شد، مورد بررسی قرار گرفتند. در گاوهایی که میزان ذرت تراریخت در جیره غذایی آنها بالا بود، مشکلات آسیب شناسی غیر معمولی مشاهده شد. با گذشت زمان و افزایش میزان ذرت تراریخت در جیره غذایی، درصد گاوهای سالم دارای محصول شیر بالا از ۷۰ درصد (نسبت نرمال) به ۴۰ درصد کاهش یافتند. در نقطه اوج این بیماریها در سال ۲۰۰۲، ۱۰ درصد گاوها تلف شدند. نشانه‌های این بیماری طولانی مدت و بدون تب بود اما نقص بیوشیمیایی کلیه و مشکلات اپیدرمی و مخاطی در آنها مشاهده می‌شد. به نظر می‌رسد که مصرف بذور ذرت تراریخت در طولانی مدت در پستانداران سمیت ایجاد می‌کند که در شرایط معمول مزرعه ای که در آن تغییر و جابه جایی حیوانات بالا است، قابل مشاهده نمی‌باشد.^{۱۳}

۵. آسیب دیدن مرغ های گوشتی بر اثر استفاده از جیره غذایی حاوی سویای

تراریخت در رژیمهای غذایی مرغ گوشتی

^{۱۱} Séralini, G. E., Clair, E., Mesnage, R., Gress, S., Defarge, N., Malatesta, M., & de Vendômois, J. S. (۲۰۱۴). Republished study: long-term toxicity of a Roundup herbicide and a Roundup-tolerant genetically modified maize. Environmental Sciences Europe, ۲۶(۱), ۱۴. نوضیح: برخی از ۱۴، ۲۶(۱).
این آزمایشات فیلمبرداری شده و در مستند چشمان بیدار (قسمت دوم)، قابل مشاهده می باشد. لینکدانلود:
<https://www.doctv.ir/Program/۱۵۸۳۵۶>

^{۱۲} چنانچه در صفحات پیشین اشاره شد، گیاه تراریخته بواسطه ی ورود یک ژن باکتریایی می تواند سم تولید کند. این سم، (نام دارد که می تواند آفت ها را از بین ببرد. اما تحقیقات نشان می دهد این سم باعث آسیب های جدی در bt سم بی تی) برخی حیوانات شده است.

^{۱۳} Glöckner, G., & Séralini, G. É. (۲۰۱۶). Pathology reports on the first cows fed with Bt ۱۷۶ maize (۱۹۹۷-۲۰۰۲). Scholarly Journal of Agricultural Science, ۶, ۱-۸.

نتایج نشان داده است تعداد سلولهای آپوپتوزی (در معرض مرگ برنامه ریزی شده سلول) در نوک پرزها در پرندگان تغذیه شده با جیره حاوی محصول تراریخت در مقایسه با خوراک ذرت معمولی ۴۴ درصد بیشتر بود (همان)

۶. اثرات خوراک سویای تراریخته بر پیری کبد در موشهای ماده.

طبق آزمایشات انجام شده به نظر می رسد مسیر پیری به طور قابل توجهی در موش های تغذیه شده با خوراک تراریخت فعال می شود (همان).

۷. گلایفوسیت یک عامل خطر بالقوه برای بیماری عروق کرونری.

محققان چینی کشف کرده اند که احتمالاً ارتباطی بین بیماری عروق کرونری (CAD) و قرار گرفتن در معرض علف کش های گلایفوسیت در محل کار وجود دارد.^{۱۴}

۸. حساسیت زا بودن سم Bt

تحقیقات نشان می دهد سم Bt حساسیت زا است و باعث تغییرات پیش سرطانی روده می شود.^{۱۵}

۹. ایجاد تومور بر اثر محصولات تراریخته

محصولات تراریخته می توانند باعث ایجاد تومور، آسیب به اندام های متعدد و مرگ زودرس شوند.^{۱۶}

۱۰. ایجاد مشکلاتی در بدن برخی حیوانات مانند التهاب معده در خوک ها.

^{۱۴} https://www-gmoevidence-com.translate.google.com/glyphosate-is-a-potential-hazard-factor-for-coronary-artery-disease/?_x_tr_sl=auto&_x_tr_tl=fa&_x_tr_hl=en-US&_x_tr_pto=nui,op

^{۱۵} https://www-gmoevidence-com.translate.google.com/gm-bt-toxin-is-immunogenic-allergenic-and-causes-pre-cancerous-intestinal-changes/?_x_tr_sl=auto&_x_tr_tl=fa&_x_tr_hl=en-US&_x_tr_pto=nui,op

^{۱۶} https://www-gmoevidence-com.translate.google.com/crigen-gm-maize-and-roundup-can-cause-tumours-multiple-organ-damage-and-premature-death/?_x_tr_sl=auto&_x_tr_tl=fa&_x_tr_hl=en-US&_x_tr_pto=nui,op





آزمایش‌ها نشان داده خوک‌های تغذیه شده با گیاهان تراریخت از التهاب شدیدتری رنج می‌بردند.^{۱۷}

۱۱. اثر ماده گلایفوسیت بر باروری زنان

علف کش‌های مبتنی بر گلایفوسیت مختل‌کننده غدد درون‌ریز هستند که باروری زنان را تغییر می‌دهند.^{۱۸} مطالعات انجام شده در یک پژوهش نتایجی را نشان می‌دهد که بخشی از آن‌ها عبارتند از: ۱. گلایفوسیت و علف‌کش‌های مبتنی بر گلایفوسیت مختل‌کننده غدد درون‌ریز هستند. ۲. علف‌کش‌های مبتنی بر گلایفوسیت نتایج تولید مثل را در ماده‌ها تغییر می‌دهند. ۳. قرار گرفتن در معرض دوزهای پایین گلایفوسیت ممکن است عملکرد تخمدان و رحم را تغییر دهد. ۴. پتانسیل استروژنی GBH به گلایفوسیت خالص و/یا ادجوانت‌های آن بستگی دارد.

ضمناً برخی مطالعات نشان می‌دهد علف‌کش گلایفوسیت علاوه بر اثرگذاری در باروری زنان می‌تواند تأثیرات چندنسلی داشته و در نسل‌های بعدی هم تغییراتی ایجاد کنند.^{۱۹}

۱۲. سمی بودن علف‌کش‌های محصولات تراریخته و آسیب آن‌ها به محیط زیست

علف‌کش گلایفوسیت (رانداپ)، علف‌کش مخصوص محصولات تراریخته به شمار می‌آید. تحقیقات نشان می‌دهد این علف‌کش‌ها باعث کاهش عمر موجودات زنده می‌شوند. همچنین واحدهای مختلف اکوسیستم ممکن است به دلیل استفاده مداوم از محصولات تراریخت مقاوم به علف‌کش و آفات و کاربرد طولانی مدت علف‌کش‌ها و حشره‌کش‌های مختلف در معرض خطر قرار گیرند. از جمله می‌توان به جاندارانی مثل

^{۱۷} Carman, J. A., Vlieger, H. R., Ver Steeg, L. J., Sneller, V. E., Robinson, G. W., Clinch-Jones, C. A., ... & Edwards, J. W. (۲۰۱۳). A long-term toxicology study on pigs fed a combined genetically modified (GM) soy and GM maize diet. *J Org Syst*, ۸(۱), ۳۸-۵۴.

^{۱۸} <https://pubmed.ncbi.nlm.nih.gov/۳۲۶۵۹۴۳۹/>

^{۱۹} <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC۸۲۹۳۳۸۰/>

عنکبوت گرگی و پروانه سلطان اشاره کرد که محل زندگی شان از بین رفته و باعث مهاجرت آنها شده است. از نتایج استفاده از سموم علف کش در محصولات تراریخته می توان به باقی ماندن سموم علف کش در محصولات علوفه ای و در نتیجه ی آن فرآورده های دامی اشاره کرد. آسیب دیگر، حرکت علف کش ها از طریق تبخیر به مزارع مجاور می باشد.^{۲۰}

۱۳. از دست رفتن تنوع زیستی

احتمال جریان ژن از محصول تراریخته به گیاهان زراعی دیگر و نیز به علف های هرز و DNA آزاد در محیط و از دست رفتن تنوع زیستی (فرسایش ژنتیکی) وجود دارد. جریان ژن از محصولات تراریخت به گیاهان غیر تراریخت از همان گونه، ممکن است احتمال حرکت بعدی آن ژن را به علف های هرز و یا خویشاوندان وحشی گیاهان افزایش دهد. این نوع جریان ژن میتواند منجر به حضور اتفاقی یا آلودگی بسیاری از بذرها شود. تلاقی گیاهان زراعی با علف های هرز خویشاوند ممکن است علف های هرز را به کسب صفات جدید مانند مقاومت به علف کش ها قادر کند که می تواند خطرناک باشد. احتمال انتشار ژن انتقال یافته می تواند برای هر گیاه و منطقه متفاوت باشد.

مقادیر بسیار زیادی از DNA تراریخت و غیر تراریخت در سطح جهان به صورت ضایعات میوه، برگ های پوسیده، گیاهان و ضایعات مزرعه به صورت روزانه به محیط زیست افزوده می شود.

یکی دیگر از نگرانی ها درباره گیاهان زراعی تراریخته این است که استفاده گسترده از آنها می تواند به تک کشتی (استفاده از تعداد ارقام محدود) منجر شود. تک کشتی، تنوع زیستی را به طرق مختلفی تهدید می کند. با کاشت گیاهان زراعی تراریخته، امکان دارد

^{۲۰} تحلیل مبانی و مولفه های رگولاتوری در جهان و ایران؛ دستاوردهایی برای اصلاح قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران (گزارش مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی)





کشت سایر ارقام بومی و محلی که اثرات اقتصادی کمتری در شرایط فعلی دارند، محدود شده و به مرور از بین می‌روند و در نتیجه تنوع گیاهی کاهش می‌یابد. البته کشاورزی سنتی نیز با مشکل از دست دادن تنوع زیستی مواجه است.

همچنین تحقیقات نشان داده، آن دسته از زمین‌های کشاورزی که دائما در آن‌ها محصولات مقاوم به علفکش کاشته می‌شود به تدریج حاصلخیزی خود را از دست می‌دهند. از طرفی سم گلایفوسیت خاصیت آنتی بیوتیک دارد و باکتری‌های موجود در خاک را از بین می‌برد و در نتیجه خاک، حاصلخیزی و قدرت خود را بتدریج از دست می‌دهد.

جمع بندی بخش موضوع شناسی

آنچه تا کنون مورد بررسی قرار گرفت، مضر بودن بخشی از محصولات تراریخته برای انسان، حیوان و محیط زیست بود که با یافته های متقن علمی به اثبات رسید؛ بخشی از این مضرات یقینی بوده و بخشی لاقط احتمال ضرر را به اثبات می رساند که با توجه به اتقان بالای یافته های فوق، این احتمال معتنا به است. لکن ممکن است یافته های پژوهشگران، مضر نبودن بخشی از محصولات تراریخته را اثبات کند، در نتیجه این گزاره از بخش موضوع شناسی به دست می آید: «بخشی از محصولات تراریخته برای انسان، حیوان و محیط زیست آسیبزا می باشند این آسیب گاه قطعی بوده و گاه احتمالی معتنا به دارد».

رویکردهای فقهی گوناگون در مساله ی تراریخته

بررسی فقهی مساله ی محصولات تراریخته می تواند از زوایای گوناگونی صورت بگیرد. به عنوان مثال برخی «تغییر خلقت اولیه ی موجودات» را مورد تعمق قرار داده و این سوال را پرسیده اند که آیا «دستکاری ژنتیکی» مصداق آیه ی شریفه ی «لیغیرن خلق الله» می تواند باشد؟ و از این جهت حرمت دارد یا نه؟ حال آنکه این نگاه تنها یک بُعد از مساله ی مورد بحث بوده و تولید و واردات این محصولات از دیگر ابعاد فقهی از جمله «قاعده ی نفی سبیل» و «قاعده ی لاضرر» قابلیت بررسی دارند. در این مقاله تاکید بر مضرات و مخاطرات این محصولات است و سعی بر این است که با توجه به ادله ی لاضرر حکم مساله روشن شود.

با این توضیح، اگر فرض کنیم «دستکاری ژنتیکی موجودات زنده» فی نفسه اشکالی نداشته و حرمت تغییری خلقت الهی نیز شامل این بحث نمی شود، نوبت به بررسی آثار و لوازم این عمل می رسد که ذیل قاعده ی لاضرر قابل بررسی می باشد.

قاعده «لاضرر»

قاعده ی فقهی لاضرر که برگرفته از روایاتی با مضمون «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲۵، ص ۴۲۷) است، در بیشتر ابواب فقهی کاربرد داشته و زیربنای بسیاری از مسائل فقهی می باشد. شهید اول قاعده ی لاضرر را یکی از





پنج قاعده ای می داند که تمام احکام شرعی را می توان به آنها ارجاع داد (القواعد و الفوائد؛ ج ۱، ص: ۷۴).

برخی از آیات قرآن، سیره عقلا و نیز روایات متعددی بر این قاعده دلالت دارند. در اهمیت این قاعده همین بس که بسیاری از فقهای سابق و معاصر در تألیفات خود، رساله مستقلی را بدان اختصاص داده‌اند. مجموع روایاتی که در متن آنها جمله «لا ضرر و لا ضرار» نقل شده بالغ بر هشت حدیث است که برخی از آنها در منابع روایی امامیه و برخی در منابع روایی اهل سنت وارد شده است. (حسینی سیستانی، علی، قاعده لا ضرر و لا ضرار، قم، چاپ اول). در بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان، از این قاعده با عناوینی مانند «عدم جواز سوءاستفاده از حق» استفاده می‌شود. در قانون جمهوری اسلامی ایران نیز بنابر اصل ۴۰ قانون اساسی، هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله ضرر رساندن به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد، همچنین بر اساس اصل ۴۳ ضرر رساندن به دیگری ممنوع است.

در ادامه، مفهوم شناسی قاعده، مستندات قاعده و نیز رابطه‌ی آن با دیگر قواعد فقهی بررسی خواهد شد.

مفهوم شناسی قاعده

در بررسی قاعده ی لا ضرر به نظرات مختلفی برخورد میکنیم؛ عده ای مقصود از این قاعده را نفی ضرر می دانند که مبتکر آن را می توان شیخ انصاری دانست و برخی همچون شیخ الشریعه اصفهانی قائل به نظریه ی نهی اند. در میان قائلین به هر کدام از این نظریه ها نیز اختلافاتی به چشم می خورد ناشی از اینکه منظور از نفی، نفی حکم ضرری ست یا نفی حکم به لسان نفی موضوع؟ و نیز مقصود از نهی، نهی تکلیفی ست یا سلطانی و... . اختلافاتی از این قبیل، ضرورت بررسی مفردات این قاعده را نمایان تر می‌کند.

مفهوم ضرر

در کتب لغت معانی مختلفی برای واژه‌ی ضرر ذکر شده است. از جمله «نقصان چیزی از کسی» (تهذیب اللغة؛ ج ۱۱؛ ص ۳۱۴)، «معنای مقابل نفع» (النهایه فی غریب الحدیث و الأثر؛ ج ۳؛ ص ۸۱) و «نقص در اعیان» (المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی؛

النص؛ ص ۳۶۰). اختلاف نظر بین اهل لغت که ناشی از استعمالات گوناگون این واژه است، در بین فقها و اصولیون نیز دیده می شود. بعضی معتقدند ضرر عبارت است از هر نقصان در مال، آبرو یا جان فرد دیگر؛ ولی در مورد نفس و مال کلمه «ضرر» استعمال می شود، اما در مورد فقدان احترام و آبرو، کلمه ضرر کمتر استعمال می شود. مثلاً گفته می شود: فلان شخص در آن معامله ضرر کرد، یا دارویی که مصرف کرد مضر بود؛ ولی اگر کسی از دیگری هتک آبرو بکند اصطلاحاً گفته نمی شود که به او ضرر زده است. (من یه الطالب، ج ۲، ص ۱۹۸) دیگری ضرر را مقابل منفعت دانسته و تقابل نفع و ضرر را از سنخ تقابل عدم و ملکه می شمارد. البته مقصود ایشان صرف سود نکردن نبوده بلکه نقصان - در جان یا مال یا آبرو- را نیز داخل در معنای ضرر می داند. (کفایة الأصول (طبع آل البیت)؛ ص ۳۸۱) دسته ای دیگر، ضرر را مقابل نفع و تقابل این دو را از سنخ تضاد می دانند. (نی ل الوطر من قاعدة لا ضرر، ج ۱ ص ۶۱) برخی نیز اختلافات موجود در معنای ضرر را ناشی از وضوح معنای این واژه دانسته (القواعد الفقهیة، ج ۱، ص: ۵۵) و آن را به نوعی غیر قابل تعریف می دانند. با توجه به نظرات اهل لغت، اصولیون و همچنین ارتکاز عرف، در مجموع می توان گفت از دست رفتن هر گونه دارایی - اعم از مادی و معنوی، بالقوه و بالفعل - یا وجود مانع برای رسیدن به نفع و سود، ضرر نامیده می شود. تفاوت ضرر حقیقی و اعتباری (این بخش از مقاله، از بیانات حجت الاسلام و المسلمین استاد حاج آقا مصطفی خامنه ای «زید عزه»، در درس خارج فقه «لاضرر» اقتباس شده است.)

از مطالب گذشته روشن می شود که غالب محققین، به تعریف ضرر حقیقی پرداخته و توجهی به ضرر اعتباری نداشته اند. لکن با تأمل در این نکته که شارع در مقام اعتبار احکام، به اعتبارات عقلاء نظر دارد، می توان گفت مقصود از «ضرر» در قاعده ی مذکور، نه ضرر حقیقی بلکه ضرر اعتباری است. ضرر اعتباری، نادیده شدن و از بین رفتن حق یک شخص توسط شخصی دیگر است، که با فرض وجود حق، قابل تصور است بخلاف ضرر حقیقی که می تواند ناشی از بلایی طبیعی یا غفلت خود شخص بوده و شخص ضاری در میان نباشد.





برای تحلیل بهتر مفهوم «ضرر» باید از مفهوم «حق» استفاده کرد، با این توضیح که عقلاء در تعاملات اجتماعی خود با مفهوم «حق و حقوق» سر و کار داشته و بر این اساس، تعاملات خود را تنظیم می‌کنند و همه معاملات (عقود و ایقاعات) در چهارچوب همین عنوان «حق»، تعریف شده و کارآیی پیدا می‌کنند.

در تعریف «حق» می‌توان گفت: تقدم یا اولییتی است که برای شخصی یا عنوانی، نسبت به تصرف در شیئی یا واجدیت آن شیء، اعتبار می‌شود. این تقدم و اولویت می‌تواند بواسطه ی اختصاصات تکوینی -مانند اعضای بدن شخص- باشد یا بواسطه ی حیازت و یا امور دیگری مانند واگذاری حقوق به همدیگر که معامله نامیده می‌شود. (مفهوم ملکیت نیز از اینجا اعتبار می‌شود). از طرفی، هر حقی که عقلاء اعتبار می‌کنند می‌تواند نادیده گرفته شود که بدین ترتیب مفهوم «ضرر» محقق می‌شود؛ پس مفهوم «ضرر» را می‌توان یک مفهوم تحلیلی از تصور خود «حق» دانست. طبق این تحلیل که ریشه‌ای و روشن‌تر از تعاریف پیش به نظر می‌رسد، «ضرر» در قاعده ی مذکور اینگونه تعریف می‌شود: «نادیده شدن «حق» یا ایجاد مانع برای رسیدن شخص به حق خود». در نتیجه، در مواردی که به دلیل از دست رفتن نفع و سود، عرفاً ضرر صدق کند ولی حقی ضایع نشده باشد -مانند ضررهایی که از طریق بلاهای آسمانی یا زمینی مثل سیل و زلزله بر اشخاص وارد می‌شود- حقیقتاً ضرر محقق شده اما مشمول قاعده ی «لا ضرر» نخواهد بود؛ چرا که ضرر اعتباری که متناسب با جایگاه شارع است محقق نشده است و از طرفی نفی ضررهای حقیقی ارتباطی با مقام شارع ندارد.

مفهوم ضرار

واژه ی ضرار در کتب لغت معانی گوناگونی دارد از جمله: «مجازات و تلافی کردنِ ضرر»، «ضرر طرفینی»، «ضرر وارد کردن بر دیگری بدون نفع بردن» (النهاية فی غریب الحدیث و الأثر؛ ج ۳؛ ص ۸۱)

محقق نائینی برای ضرار معنایی اخص از ضرر در نظر گرفته می‌فرماید: ضرار به معنای اضرار عمدی بوده و ضرر مشتمل بر اضرار عمدی و غیر عمدی است و چنانچه در مقابل هم قرار گیرند، ضرر، زیان زدن غیرارادی است و ضرار، زیان زدن ارادی. (منیة

الطالب، ج ۲، ص ۱۹۹) آخوند خراسانی ضرار را تاکید ضرر دانسته و معانی دیگر را رد می‌کند. (کفایه الأصول (طبع آل البيت)، ص: ۳۸۱) امام خمینی معنای ضرار را سختی و ضیق و حرج دانسته و دلیل شان را غلبه ی این معنا در استعمالات واژه ی ضرار و مشتقاتش عنوان کرده اند؛ در مقابل واژه ی ضرر که غالبا به معنای ضرر مالی و جانی استعمال می‌شود. ایشان استعمالات قرآنی این دو واژه را شاهدهی بر ادعای خود می‌دانند. (تهذیب الأصول ج ۲، ص ۴۶۱. همچنین: الرسائل، ج ۱، ص ۳۰) محقق سبحانی ضرار را به معنای ضرر عمدی و از روی لجاجت می‌داند. ایشان روایت سمره بن جندب (این روایت در بخش مستندات روایی قاعده ی لاضرر ذکر خواهد شد.) و استعمالات قرآنی این واژه را دلیلی بر مدعای خود ذکر می‌کنند. از جمله آیه ی ۲۳۱ سوره ی بقره، آیه ی ۱۰۷ سوره ی توبه و همچنین آیه ی ۱۲ سوره ی نساء. (نیل الوطر من قاعده لا ضرر، ج ۱ ص ۶۶)

به نظر می‌رسد برداشت دو محقق اخیر قابل جمع بوده و در میان سایر نظرات، به حق نزدیک‌تر است. با توجه به اینکه تبیین معنای «ضرار» نقشی در نتیجه ی پژوهش حاضر ندارد و معنای «ضرر» نیز روشن شد، به همین مقدار اکتفا می‌شود و در بخش آیات قرآن، به تناسب هر آیه، توضیحی بیان خواهد شد.

معنای «لا» در قاعده لا ضرر

نظر شیخ انصاری

ایشان لاضرر را به معنای نفی «حکم ضرری» می‌دانند چرا که تحقق ضرر در خارج روشن است و قابل انکار نیست. (فرائد الاصول، ج ۲، ص: ۵۳۵) ضرر، معلول حکم است و حکم علت آن است و در لا ضرر، ضرر نفی می‌شود تا ریشه ی آن که همان حکم است از بین رفته باشد. به عبارت دیگر، هر حکمی که از ناحیه شارع صادر گردد، اگر مستلزم ضرر باشد یا از اجرای آن ضرری برای مردم حاصل شود، طبق قاعده ی لا ضرر برداشته می‌شود. از اینجا روشن می‌شود که ایشان «لا» را به معنای حقیقی خود گرفته، لکن مدخول لا را منفی نمی‌داند بلکه کلمه ی «حکم» که در تقدیر است نفی شده است.



نظر امام خمینی

ایشان سه مقام و جایگاه برای رسول اکرم (ص) در نظر می‌گیرند: مقام نبوت، مقام حکومت (ریاست و تصدی امور اجتماعی) و مقام قضا. مقام نبوت صرفاً برای ابلاغ شریعت الهی است و رسول خدا از طرف خود امر و نهی ندارند. اما در مقام دوم می‌توانند به صلاحدید خود دستوراتی صادر کنند که اوامر حکومتی و سلطانی بوده و بر عموم مسلمین واجب‌الاطاعه‌اند. در مقام قضا، پیامبر (ص) به قضاوت و رفع خصومت بین مردم می‌پردازند. (خمینی، روح‌الله رسائل، ج ۱، ص ۵۰). سپس با بیان سه مقدمه‌ی دیگر نتیجه می‌گیرند که حکم پیامبر اکرم (ص) بر نفی ضرر، یک حکم حکومتی و سلطانی بوده و نهی مولوی است و اطاعت آن حضرت به عنوان حاکم واجب‌الاطاعه بر همه‌ی مسلمین واجب است. (الرسائل، ج ۱، ص: ۵۵) در این بیان «لا» به معنای نفی نیست بلکه معنای نهی دارد، اما نهی حکومتی از طرف حاکم، نه نهی الهی.

نظر شیخ الشریعه‌ی اصفهانی

ایشان نیز مانند امام خمینی «لا» را در غیر معنای حقیقی خود و به معنای نهی می‌دانند. (قاعده‌ی لا ضرر؛ ص ۲۴)

نظر آخوند خراسانی

محقق خراسانی معتقد است در قاعده‌ی مذکور، نفی حکم شده البته به لسان نفی موضوع. ایشان «لا» را لای نفی جنس می‌دانند که تنزیلاً و ادعاً ضرر را نفی کرده است. (کفایه‌ی الأصول، ص: ۳۸۱)

تفکیک بین نفی ضرر با نفی ضرار

برخی از معاصرین نفی موجود در ضرر را با نفی موجود در ضرار متفاوت می‌دانند؛ با این توضیح که ضرر یک معنای حاصل‌مصدری است لذا منظور همان نقصی است که از ناحیه اعتبارات بر علیه حق تجویز می‌شود. اما ضرار مصدری است که فاعل می‌خواهد و این مظالم و ایراد ضرر بر مردم، همه مصداق ضرار است. بدین ترتیب تفاوت مفهومی بین این دو وجود دارد و نفی ضرر یک نفی حقیقی است یعنی در نظامات عقلانی (که شریعت هم احسن این نظامات است) نمی‌توان قانونی یافت که متضمن تجویز ضرر باشد



(تجویز نقص هست اما تجویز ضرر نه). اما ضرر وجود دارد لذا نفی ضرر نفی حقیقی نیست - یعنی ضرر ناشی از اقدام دیگری علیه حق زیاد اتفاق می افتد - بلکه نفی قانونی و اعتباری است؛ شبیه آیه... فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ ... (البقره/۱۹۷) یعنی وجود دارد اما در مورد آن اعتبار عدم شده است یعنی این امور نباید در حج اتفاق بیفتند، همین طور لا ضرر هم به معنای اعتبار عدم بوده و از ضرر زدن به دیگران نهی شده است. در دو تعبیر لاضرر و لا ضرر تفاوتی در مراد استعمالی نیست یعنی معنای لا در هر دو در نفی جنس است اما در مقام استخراج مراد جدی، تفاوت ملاحظه میشود. (ببیانات حجت الاسلام و المسلمین استاد حاج آقا مصطفی خامنه ای «زید عزه»، درس خارج فقه «لاضرر» فروردین ماه ۱۴۰۲)

به نظر می رسد این تفکیک صحیح بوده و اشکالات وارده بر نظرات سابق را ندارد. از طرفی استعمال لای نفی نیز در این سیاق، موافق با اصل است.

مستندات قاعده ی لاضرر

عقل

عقل مستقلاً می تواند دلیلی بر این قاعده محسوب شود. به این بیان که: ضرر زدن به دیگری قبیح و ترک آن لازم است عقلاً. هر آنچه عقلاً قبیح و ترکش لازم باشد به حکم ملازمه، شرعاً نیز حرام است، پس ضرر زدن به دیگری شرعاً حرام است.

سیره ی عقلاء

چنانچه مفهوم «ضرر»، یک مفهوم عقلایی بوده و عقلاً نادیده گرفتن حق را ضرر دانسته و تقبیح می کنند، قاعده ی لاضرر نیز یک قاعده ی عقلایی بوده و می توان اولین مدرک این قاعده را رفتار عقلاً دانست از طرف شارع نیز منعی نرسیده و این سیره را امضاء کرده است.

آیات قرآن

در چندین آیه از قرآن کریم با تصریح به واژه ی ضرر و مشتقاتش، احکامی ارائه شده که از باب تعلیق حکم بر وصف، می توان قاعده ی «لاضرر» را از آنها استنباط کرد. خود





واژه‌ی «ضرر» در قرآن یک بار به کار رفته و آن مربوط به بحث جنگ است و ارتباطی با قاعده‌ی مورد بحث ندارد. ﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾. مؤمنان جهادگریز که آسیب دیده نباشند با جهادگران در راه خداوند، برابر نیستند نساء/سوره ۴، آیه ۹۵). اما کلمه‌ی «ضرار» و دیگر مشتقات این واژه در قرآن استفاده شده است:

از جمله می‌توان به آیات زیر اشاره کرد:

آیه‌ی ۲۳۱ سوره‌ی بقره ﴿وَإِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبَّغْنَ أَجْلَهُنَّ فَأُمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَحوهنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لَتَعْتَدُوا﴾. در این آیه ضرار در آن به معنای مشقت و ایجاد ضیق عمدی است.

آیه‌ی ۱۰۷ سوره‌ی توبه. ﴿وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ این آیه در رابطه با منافقینی است که اقدام به ساختن مسجدی برای هدف‌های زیان‌بار و کفرآمیز و تفرقه‌افکن میان مؤمنان، کردند. (مجمع‌البیان، طبرسی، ج ۵، ص ۱۰۹). پس مقصود، اضرار منافقان به مؤمنین است که مورد نهی واقع شده است. در این آیه نیز واژه‌ی «ضرار» معنای طرفینی ندارد.

آیه‌ی ۲۳۳ سوره‌ی بقره ﴿وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ... لَا تُضَارُّ وَالِدَهُ بَوْلًا لَهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ﴾

در این آیه نیز بر لزوم پرهیز ضرررسانی به پدر و مادر فرزند شیرخوار، تأکید شده است. واژه‌ی «لَا تُضَارُّ» را هم به صورت مجهول می‌شود خواند هم معلوم. اما در هر دو صورت، بین‌الائینی نیست و کسی که ضرر می‌زند فقط یک نفر است.

آیه‌ی ۲۸۲ سوره‌ی بقره ﴿إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ﴾

طبق این آیه ضرر رساندن گواه در مبادلات، بر طرفین قرارداد، نهی شده است. در این آیه نیز ضرار قائم به طرف واحد است و بین‌الائینی نیست.

آیه‌ی ۱۲ سوره‌ی نساء ﴿فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِهِ يُوصَىٰ بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ﴾

در این آیه اجتناب از وصیت ضرر زننده به وارث مورد تأکید قرار گرفته است.

آیه ۶ ی سوره ی طلاق ﴿أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِنْ وَجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ﴾

در این آیه هم ضرررسانی و تنگ کردن عرصه بر زنان مطلقه مورد نکوهش قرار گرفته است.

از مجموع این آیات این قاعده کلی برداشت می شود که ضرر زدن به دیگران جایز نیست و منهی عنه است.

روایات

روایات متعددی که در خصوص قاعده ی لا ضرر، به دست رسیده است آنها را به حد تواتر -البته تواتر اجمالی (به این معنا که هر چند همه روایات مذکور به یک لفظ نیستند، ولی مضمون واحدی دارند. یا به این معنا که مضمون مشترکی میانشان وجود ندارد؛ ولی از آنها قدر مشترکی به دست می آید).- رسانده است. در این بخش به تعدادی از این روایات اشاره می شود.

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ الصَّبَّاحِيِّ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ كَانَ لِسَمْرَةَ بْنِ جُنْدَبٍ نَخْلَةٌ فِي حَائِطِ بَنِي فُلَانٍ فَكَانَ إِذَا جَاءَ إِلَى نَخْلَتِهِ يَنْظُرُ إِلَى شَيْءٍ مِنْ أَهْلِ الرَّجُلِ يَكْرَهُهُ الرَّجُلُ قَالَ فَذَهَبَ الرَّجُلُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَشَكَاهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ سَمْرَةَ يَدْخُلُ عَلَيَّ بِغَيْرِ إِذْنِي فَلَوْ أُرْسِلَتْ إِلَيْهِ فَأَمَرْتَهُ أَنْ يَسْتَأْذِنَ حَتَّى تَأْخُذَ أَهْلِي حِذْرَهَا مِنْهُ فَأُرْسَلَ إِلَيْهِ بِالرَّسُولِ اللَّهُ ص فَدَعَاهُ فَقَالَ يَا سَمْرَةَ مَا شَأْنُ فُلَانٍ يَشْكُوكَ وَ يَقُولُ يَدْخُلُ بِغَيْرِ إِذْنِي فَتَرَى مِنْ أَهْلِهِ مَا يَكْرَهُ ذَلِكَ يَا سَمْرَةَ اسْتَأْذِنَ إِذَا أَنْتَ دَخَلْتَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص - يَسْرُكُ أَنْ يَكُونَ لَكَ عِدْقٌ فِي الْجَنَّةِ بِنَخْلَتِكَ قَالَ لَا قَالَ لَكَ ثَلَاثَةٌ قَالَ لَا قَالَ مَا أَرَاكَ يَا سَمْرَةَ إِلَّا مُضَارًّا أَذْهَبَ يَا فُلَانُ فَأَقْطَعُهَا وَ اضْرِبْ بِهَا وَجْهَهُ. (ش. شیخ صدوق

به اسنادش که سند صحیحی است می گوید: امام باقر (علیه السلام) فرمود: سمره بن جندب در داخل باغ بنی فلان درخت خرمایی داشت. او وقتی نزد درخت خود می رفت به اهل خانه ی صاحب باغ نگاه می کرد، صاحب باغ نیز از این کار ناراحت می شد، لذا خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و شکایت او را کرد و گفت: یا رسول الله سمره برای سر زدن به درخت خرمای خود بدون اجازه وارد خانه من





می‌شود، کاش او را بخواهید و دستور دهید که اجازه بگیرد تا همسر من خود را بپوشاند بعد وارد شود، حضرت او را طلبید و به او فرمود: ای سمره چیست که فلانی از تو شکایت دارد و می‌گوید بدون اذن و اطلاع سر زده داخل می‌شود و نظرت به همسر او می‌افتد؟ ای سمره! هرگاه خواستی وارد باغ شوی اجازه بگیر. [اما سمره نپذیرفت] سپس به او فرمود: دوست داری به جای این درخت خرما نهالی در بهشت به تو دهند؟ گفت: نه، فرمود: سه نهال؟ گفت: نه، حضرت فرمود: تو را نمی‌بینم مگر موجب زیان (به دیگران)، بعد رو به آن مرد کرده فرمود: برو و درخت او را بکن و پیش رویش بیانداز.

وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۲۵، ص ۴۲۷، کتاب إحياء الاموات، باب ۱۲، ح (۱).
حدیث پیشین از طرق دیگری با اندکی تفاوت نقل شده است. وَعَنْ عَلِي بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ نَحْوَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّكَ رَجُلٌ مُضَارٌّ وَلَا ضَرَّ لَكَ وَلَا ضِرَّارَ عَلَى مُؤْمِنٍ قَالَ ثُمَّ أَمَرَ بِهَا فُقِّلَعَتْ (وَرَمِيَ) بِهَا إِلَيْهِ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْطَلِقْ فَأَغْرِسْهَا حَيْثُ شِئْتَ. (همان، حدیث ۴)

عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِنَّ سَمْرَةَ بْنَ جُنْدَبٍ كَانَ لَهُ عَدْقٌ فِي حَائِطٍ لِرَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ - وَكَانَ مَنْزِلُ الْأَنْصَارِيِّ بِيَابِ الْبُسْتَانِ فَكَانَ يَمُرُّ بِهِ إِلَى نِخْلَتِهِ وَ لَا يَسْتَأْذِنُ فَكَلَّمَهُ الْأَنْصَارِيُّ أَنْ يَسْتَأْذِنَ إِذَا جَاءَ فَأَبَى سَمْرَةَ - فَلَمَّا تَأَبَّى جَاءَ الْأَنْصَارِيُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص - فَشَكَا إِلَيْهِ وَ خَبَرَهُ الْخَبَرَ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ ص - وَ خَبَرَهُ بِقَوْلِ الْأَنْصَارِيِّ وَ مَا شَكَا وَ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ الدُّخُولَ فَاسْتَأْذِنْ فَأَبَى فَلَمَّا أَبَى سَاوَمَهُ حَتَّى بَلَغَ بِهِ مِنَ الثَّمَنِ مَا شَاءَ اللَّهُ فَأَبَى أَنْ يَبِيعَ فَقَالَ لَكَ بِهَا عَدْقٌ يَمُدُّ لَكَ فِي الْجَنَّةِ فَأَبَى أَنْ يَقْبَلَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لِلْأَنْصَارِيِّ اذْهَبْ فَأَقْلَعَهَا وَ أَرْمِ بِهَا إِلَيْهِ فَإِنَّهُ لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَّارَ. (همان، حدیث ۳)

محتوای این سه روایت ماجرای سمره بن جندب است که در بین عامه و خاصه شهرت دارد. روایات دیگری نیز نقل شده که با تفاوت های اندکی همین مضمون را می‌رسانند و از حیث صدور نیز در مجموع قابل اعتماد هستند.

توضیحی پیرامون دلالت روایات فوق

در روایاتی که تعبیر «لاضرر» و «لاضرار» در کنار هم استعمال شده است، می توان تقیید «لاضرر» به «لاضرار» را استنباط کرد به این معنا که وقتی لاضرر کلی در کنار لاضرار قرار می گیرد یک تطبیقی از آن لاضرر در لاضرار منظور باشد. در واقع لاضرار مانند شرط است برای لاضرر؛ یعنی لاضرر به تنهایی بالاطلاق ثابت نیست بلکه مقید و مشروط به قید و شرط لاضرار است. در نتیجه در روایت مذکور سمره بن جندب، مالک درخت است و اثرش حق تصرف و دسترسی است و کسی نمی تواند جلوی این حق را بگیرد؛ چرا که منع از این حق، ضرر است و از ناحیه شارع پشتیبانی نمی شود، اما به شرط لاضرار. یعنی عدم رعایت حق طرف مقابل (استیذان از انصاری)، موجب سلب حق دسترسی سمره به ملک خود شده و حق او منتفی می شود. در اینصورت اگر جلوی این دسترسی گرفته شود لاضرر به کمک او نخواهد آمد چرا که دیگر حقی نیست تا جلوگیری از آن، ضرر محسوب شود.

بنابراین وقتی لاضرار قید باشد، آن حق ناشی از ملکیت مقید می شود یعنی اگر ضرار پیش آمد دیگر حق دسترسی وجود ندارد و وقتی حق نداشت ایجاد مانع در مقابل او ضرر محسوب نمی شود، پس قانون گذار مانع او شده و ممانعت دیگران هم مورد تأیید اوست چرا که در اینجا حقی برایش قائل نیست تا از او پشتیبانی کند.

با چنین تفسیر و بیانی نسبت به این جمله شریف، روایاتی که واجد این تعبیر است ملاحظه و توضیح داده می شود:

در بحث سمره ابتدا حضرت ص با او مساومه فرمودند که ملکش را بفروشد و به او وعده درخت در بهشت دادند در مقابل اینکه از حقش بگذرد و او نپذیرفت. لذا هم می خواست ملک خود را حفظ کند و هم حق دسترسی که ضرر به دیگری است را حفظ نماید. اما لاضرر و لاضرار می گوید ولو مالک درخت هستی اما در فرض ضرار دسترسی به او نمی توانی داشته باشی. اما بدون حق دسترسی ممکن است اشکال شود که این ملکیت لغو خواهد بود لذا راهش این است که آن دسترسی خاص (نه مطلق حق دسترسی) ملغی شود و نتیجه همان قلع درخت است. چنانچه در یکی از نقل ها همین





آمده که انطلق فاغرسها حيث شئت. یعنی تو مالکی و ملکت محفوظ است اما دسترسی به ملکت به این شکل، منطبق بر ضرار است لذا منتفی است و لازم است برای ترتیب اثر ملک، به شکل دیگری دسترسی به آن پیدا کنی. (از بیانات حجت الاسلام و المسلمین استاد حاج آقا مصطفی خامنه‌ای «زید عزه»، درس خارج فقه «لاضرر» فروردین ماه ۱۴۰۲)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ. (وسائل الشيعة، شيخ حر عاملی، ج ۲۵، ص ۴۲۷)

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْجَارَ كَالنَّفْسِ غَيْرَ مُضِرٍّ وَلَا آثِمٍ. (در واقع، همسایه همانند نفس محترم است نه زیان ببیند و نه مجازات شود. همان، حدیث ۲)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ص بَيْنَ أَهْلِ الْمَدِينَةِ فِي مَشَارِبِ النَّخْلِ أَنَّهُ لَا يُمْنَعُ نَفْعُ الشَّيْءِ وَقَضَى بَيْنَ أَهْلِ الْبَادِيَةِ أَنَّهُ لَا يُمْنَعُ فَضْلُ مَاءٍ لِيُمْنَعَ فَضْلُ كَلْبٍ وَقَالَ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ. (رسول خدا «ص» میان اهل مدینه در باره آب دادن نخلستان‌ها چنین قضاوت کرد که از استفاده از آب نباید جلوگیری شود. و میان اهل بادیه چنین حکم داد که: از مصرف کردن زیادتی آب برای آبیاری کشت علوفه نباید جلوگیری شود و فرمود: «لا ضرر و لا ضرار». همان، ج ۲۵ ص ۴۲۰)

در برخی نسخه‌ها به جای واژه ی (و قال)، (فقال) آمده است. اگر فقال صحیح باشد، دلالت بر استنتاج دارد و اگر (و قال) باشد، ادامه ی روایت عنوان مستقلی است و امام علیه السلام آن را به مورد فوق تطبیق کرده اند. در هر دو صورت دلالت روایت بر قاعده ی مذکور روشن است.

الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ص بِالشُّفْعَةِ بَيْنَ الشُّرَكَاءِ فِي الْأَرْضَيْنِ وَالْمَسَاكِينِ وَقَالَ لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ وَقَالَ إِذَا أُرْفِتِ الْأُرْفُ وَحَدَّتِ الْحُدُودُ فَلَا شُفْعَةَ. (رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)

شریکانی که در زمین‌ها و خانه‌هایی شریک بودند، حکم به شفعه فرمود، و بیان داشت: ضرر دیدن و ضرر راندن، جایز نیست.

و فرمود: هنگامی که مرز بین زمین‌ها مشخص شد و حدود بیان گشت، دیگر حق شفعه باقی نمی‌ماند. وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص: ۴۰۰)

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ يَزِيدَ بْنِ إِسْحَاقَ شَعْرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَةَ الْغَنَوِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي رَجُلٍ شَهِدَ بَعِيرًا مَرِيضًا وَ هُوَ يُبَاعُ فَاشْتَرَاهُ رَجُلٌ بَعَشْرَةَ دَرَاهِمَ وَ أَشْرَكَ فِيهِ رَجُلًا بَدْرَهْمَيْنِ بِالرَّأْسِ وَ الْجِلْدِ فَقَضِيَ أَنَّ الْبَعِيرَ بَرَأَ فَبَلَغَ ثَمَنُهُ دَنَانِيرَ قَالَ فَقَالَ لِصَاحِبِ الدَّرَهْمَيْنِ خُمْسٌ مَا بَلَغَ فَإِنْ قَالَ أُرِيدُ الرَّأْسَ وَ الْجِلْدَ فَلَيْسَ لَهُ ذَلِكَ هَذَا الضَّرَّارُ وَ قَدْ أُعْطِيَ حَقَّهُ إِذَا أُعْطِيَ الْخُمْسَ. (هارون بن حمزه غنوی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی که شتر بیماری را دید که برای فروش آورده شده بود و آن را به ده درهم خریداری کرد و با مرد دیگری در آن شریک شد و دو درهم (یک پنجم قیمت) را از او گرفت و گفت: (پس از کشتن)، سر و پوستش مال تو باشد. اتفاقاً آن شتر خوب شد و بهای آن شتر به چندین دینار طلا رسید، و آن مرد به شریکش (که دو درهم داده بود) گفت: بیا و یک پنجم بهای فعلی آن را بستان. ولی او نپذیرفت و گفت: من سر و پوست آن را می‌خواهم.

امام علیه السلام فرمود: او چنین حقی ندارد؛ این زیان است؛ و در صورتی که یک پنجم آن به او داده شود، حَقُّش پرداخت شده است. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص: ۲۷۵)

در این روایت واژه ی ضرر استفاده نشده و تنها واژه ی ضرار به کار رفته است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ قَنَاءٌ فِي قَرْيَةٍ فَأَرَادَ رَجُلٌ أَنْ يَحْفِرَ قَنَاءَهُ أُخْرَى إِلَى قَرْيَةٍ لَهُ كَمْ يَكُونُ بَيْنَهُمَا فِي أَلِّ لَبْعَدٍ حَتَّى لَا يُضِرَّ بِالْأُخْرَى فِي الْأَرْضِ إِذَا كَانَتْ صُلْبَةً أَوْ رِخْوَةً فَوَقَعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى حَسَبِ أَنْ لَا يُضِرَّ إِحْدَاهُمَا بِالْأُخْرَى إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ وَ كَتَبْتُ إِلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ كَانَتْ لَهُ رَحَى عَلَى نَهْرٍ قَرْيَةٍ وَ الْقَرْيَةُ لِرَجُلٍ فَأَرَادَ صَاحِبُ الْقَرْيَةِ أَنْ يَسُوقَ إِلَى قَرْيَتِهِ الْمَاءَ فِي غَيْرِ هَذَا النَّهْرِ وَ يُعْطِلَ هَذِهِ الرَّحَى أَلَهُ ذَلِكَ أَمْ لَا فَوَقَعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَّقَى اللَّهَ وَ يَعْمَلُ فِي





ذَلِكَ بِالْمَعْرُوفِ وَلَا يَضُرُّ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ. (محمد بن حسین گوید: به محضر امام حسن عسکری علیه السلام طی نامه‌ای نوشتیم:

مردی در یکی از روستاها (یا در یک بوستان) قناتی دارد، و شخص دیگری می‌خواهد یک قنات دیگر تا باغ خود حفر کند؛ این دو قنات باید چه مقدار از یکدیگر فاصله داشته باشند تا به قنات دیگر زیان نرسد؛ و این فاصله در زمین سست چه مقدار است و در زمین محکم چه مقدار؟ آن حضرت علیه السلام در پاسخ مرقوم فرمود: به گونه‌ای که هیچ‌یک موجب خسارت دیگری نشود ان شاء الله.

هم‌چنین در نامه‌ای خطاب به آن بزرگوار علیه السلام نوشتیم: مردی در باغی که برای شخص دیگری است، بر روی نهر آن یک آسیاب دارد. صاحب آن باغ قصد دارد که آب را از راه دیگری به باغ خود برساند و در نتیجه این آسیاب نیز تعطیل می‌شود، آیا حق چنین کاری را دارد یا نه؟ در پاسخ مرقوم فرمود: تقوای الهی پیشه کند (از خدا بترسد) و در این مورد به نیکی رفتار کند و به برادر مؤمنش زیان نرساند. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۵، ص: ۲۹۴)

در این روایت از اضرار به غیر به صراحت نهی شده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كُلُّ مَا أَضْرَبَ بِهِ الصَّوْمُ فَأَلْفِطَارُ لَهُ وَاجِبٌ. (هر چیز که روزه به آن ضرر رساند، افطار برای آن واجب است. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص: ۱۳۲)

عَلَى بْنِ جَعْفَرٍ فِي كِتَابِهِ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ حَدِّ مَا يَجِبُ عَلَى الْمَرِيضِ تَرْكُ الصَّوْمِ قَالَ كُلُّ شَيْءٍ مِنَ الْمَرَضِ أَضْرَبَ بِهِ الصَّوْمُ فَهُوَ يَسَعُهُ تَرْكُ الصَّوْمِ. (از امام موسی بن جعفر علیه السلام در مورد حدی که واجب می‌شود شخص بیمار روزه را ترک کند پرسیدم. فرمود: هر بیماری ای که روزه بر آن ضرر می‌زند (باعث تشدید بیماری می‌شود)، شخص می‌تواند روزه را ترک کند. وسائل الشیعة، ج ۱۰، ص: ۲۲۲)

از دو روایت اخیر می‌توان نفی اضرار به نفس را برداشت کرد.

هر چند تعبیر روایات تفاوت‌هایی دارند و اسناد برخی روایات مجال مناقشه دارد لکن در مجموع می‌توان بدلیل تواتر اجمالی یا معنایی، به صحت صدور اطمینان پیدا کرد.

صاحب کتاب ایضاح الفواعد (ایضاح الفوائد، ج ۲، ص ۴۸) روایات لاضرر را متواتر معنوی می داند به این معنا که هر چند الفاظ روایات متواترا نقل نشده است اما معنا در حد تواتر است. محقق خراسانی (کفایة الأصول (طبع آل البیت) ؛ ص ۳۸۱) نیز روایات مذکور را در حد تواتر اجمالی می داند. در تواتر اجمالی روایات متواتره، چندین واقعه را با الفاظ گوناگون بیان می کنند، لکن یقین داریم بعضی از روایات از معصوم صادر شده است. مراد ایشان این است که نمی شود گفت تمامی روایات در این موضوع غیر معتبرند بلکه اجمالا چنین روایاتی از معصومین علیهم السلام صادر شده است. در نهایت اگر تواتر اجمالی یا معنوی نیز اثبات نشود می توان به استناد روایات مستفیضه ای که سندا و دلالتا خدشه ای ندارند، این قاعده را اثبات کرد.

جمع بندی بخش فقهی

حجیت و اهمیت قاعده ی لاضرر در بین فقها روشن بوده و بخش اخیر تنها برای تبیین بهتر مفاد این قاعده بیان شد. در توضیح مفاد این قاعده، نتیجه این شد که ضرر به معنای «نادیده شدن حق یا ایجاد مانع برای رسیدن شخص به حق خود» و ضرار به معنای «ضرر عمدی و دارای فاعل ارادی که نوعی سختی و ضیق را نیز به همراه دارد» می باشد. «لا» نیز در ترکیب مذکور در معنای نفی جنس استعمال شده است.

با توجه به ادله ی عقلی، قرآنی و روایی فوق، روشن شد هرگونه ضرر زدن به دیگری و ممانعت از اینکه افراد به حقوق انسانی و طبیعی خود برسند، مجاز نبوده و شرعا حرام می باشد. ضمنا مفردات «ضرر»، «ضرار» و «لا» به هر معنایی باشند آسیبی به مسئله ی مورد بحث وارد نکرده و اثبات «ضرری بودن محصولات تراریخته» برای پیاده شدن این قاعده کافی خواهد بود.

نتیجه گیری

با وجود اینکه رشد علمی در دانش زیست فناوری جهت تامین نیازهای جامعه ی اسلامی در حوزه های مرتبط و نیز برای مقابله با خطرات و حملات پیچیده ی دشمنان



اسلام در این بُعد، ضروری است، مضرات و مخاطرات محصولات تراریخته نباید مورد غفلت واقع شود.

با توضیحات ارائه شده در بخش مضرات و مخاطرات محصولات تراریخته، ضروری بودن این محصولات که شامل آسیب به انسانها، حیوانات، گیاهان و محیط زیست می‌شود، روشن شد. در نتیجه حداقل بخشی از محصولات تراریخته صغرای «قاعده‌ی لاضرر» بوده و حرمت تولید و واردات این محصولات (در حوزه های غذایی، کشاورزی، داروسازی و...) به اثبات می‌رسد. ضمناً به دلیل فراگیری استفاده از این محصولات که مسئله را از حالت فردی و شخصی خارج کرده و ضرر را متوجه عموم جامعه‌ی مسلمین می‌کند، ورود مراجع ذی‌صلاح برای اصلاح یا اجرای بهتر قوانین مرتبط با این حوزه، ضروری به نظر می‌رسد.

اثبات حرمت و صدق عنوان «ضرر» بر همه محصولات تراریخته - در هر زمان و مکانی - ممکن نبوده و اساساً مدنظر پژوهش حاضر نیست؛ لکن به جهت انواع ضررها و مخاطراتی که در رابطه با بسیاری از این محصولات اثبات شده است، در مورد تمامی محصولات تراریخته باید سراغ «اصل احتیاط» رفته و جانب احتیاط را رعایت کرد. چرا که به مقتضای قاعده‌ی فقهی و عقلانی «اقتحام» («الوقوف عند الشبهة خیر من الاقتحام فی الهلکة»)، توقف در موارد شبهه ناک بهتر و عاقلانه تر از افتادن در خطر و هلاکت است. با توجه به این اصل، قانونگذار باید قبل از هر اقدامی در این خصوص، تایید کارشناسان خبره و مورد وثوق را نسبت به مضرات و مخاطرات انواع محصولات تراریخته الزامی دانسته و ارائه مجوز برای مصرف محصولات تراریخته در سازمان‌ها و مجموعه های گوناگون را منوط به تایید کارشناسان در حوزه های مختلف - اعم از کشاورزی، دامپروری، صنایع دارویی و... - بداند.

گفتنی است برخی از کشورهای اروپایی در زمینه‌ی امنیت غذایی همین رویه‌ی احتیاط‌گرایی را پیش گرفته اند، البته با احتیاطی شدیدتر؛ تا جایی که طبق قوانین این کشورها هر محصول غذایی که مفید بودن آن اثبات نشده باشد اجازه‌ی تولید و مصرف پیدا نمی‌کند.



کند. باین وصف، احتیاط در مورد محصولات تراریخته که نه تنها مفید بودنشان اثبات نشده بلکه مضرات بی شماری نیز دارند، عاقلانه و منطقی خواهد بود. عده ای با علم به مضر بودن بخشی از محصولات تراریخته این شبهه را مطرح می کنند که «بدون وجود محصولات تراریخته، تامین حجم زیادی از مواد غذایی مورد نیاز برای کشور ناممکن است و از تولید یا واردات محصولات تراریخته ناگزیریم»، حال آنکه اولاً از نظر متخصصین، امکان تولید محصولات غیرتراریخته در کشور یا واردات آنها فراهم است، ثانیاً با فرض «اضطرار» در تولید این محصولات، قانون گذار موظف است ضمن لحاظ مضرات مذکور، چارچوبی برای تولید محصولات تراریخته معین کند. در نتیجه وقتی مضر بودن محصولات تراریخته اثبات شد، اولاً رهاسازی این محصولات متوقف شده و رویه ی «احتیاط» در پیش گرفته میشود، ثانیاً در هر دو حالت «تولید و واردات» به حد اضطرار اکتفا خواهد شد.

فهرست منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر - قم، چاپ: چهارم، ۱۳۶۷ ه.ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
۳. آخوند خراسانی، محمد کاظم بن حسین، کفایة الأصول (طبع آل البیت) - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۴. ازهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغه، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۲۱ ه.ق.
۵. ارجمند عین الدین، علی، مساله ی محصولات تراریخته در ایران.
۶. شیخ الشریعه اصفهانی، فتح الله بن محمد جواد، قاعده لا ضرر، قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.
۷. انصاری، مرتضی بن محمد امین، فرائد الأصول - (موسسه انتشارات اسلامی) قم، چاپ: پنجم، ۱۴۱۶ ق.



۸. حسینی سیستانی، سید محمد باقر، قاعده لا ضرر و لا ضرار (تقریرات درس آیت الله سید علی سیستانی)، قم، چاپ: اول.
۹. حلی، فخر المحققین، محمد بن حسن بن یوسف، ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد، مؤسسه اسماعیلیان، قم، چاپ: اول، ۱۳۸۷ق.
۱۰. خمینی، روح الله، الرسائل - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق
۱۱. سبحانی جعفر، تهذیب الأصول (تقریر درس امام خمینی ره)، قم، چاپ: اول، ۱۳۸۲ش.
۱۲. سبحانی، سعید، نیل الوطر من قاعده لا ضرر، (تقریر بحث آیت الله جعفر سبحانی)
۱۳. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۴. شیخ الشریعه اصفهانی، فتح الله بن محمد جواد، قاعده لا ضرر - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
۱۶. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، القواعد و الفوائد، قم، چاپ: اول.
۱۷. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۴ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الإسلامیة) - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، القواعد الفقهیة - قم، چاپ: سوم، ۱۳۷۰ ش.
۲۰. مظلوم، علیرضا و دیگران، تبیین قاعده لا ضرر و لا ضرار در مباحث فقهی، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۳، آبان ۱۳۹۶.

۲۱. De Vendômois, J. S., Roullier, F., Cellier, D., & Séralini, G. E. (۲۰۰۹). A comparison of the effects of

- three GM corn varieties on mammalian health. International journal of biological sciences, Séralini, G. E., Clair, E., Mesnage, R., Gress, S., Defarge, N., Malatesta, M., & de Vendômois, J. S. (۲۰۱۴). Republished study: long-term toxicity of a Roundup herbicide and a Roundup-tolerant genetically modified maize. Environmental Sciences Europe, ۲۶(۱), ۱۴. (۷), ۷۰۶.
۲۲. Séralini, G. E., Clair, E., Mesnage, R., Gress, S., Defarge, N., Malatesta, M., & de Vendômois, J. S. (۲۰۱۴). Republished study: long-term toxicity of a Roundup herbicide and a Roundup-tolerant genetically modified maize. Environmental Sciences Europe, ۲۶(۱), ۱۴.
۲۳. Glöckner, G., & Séralini, G. É. (۲۰۱۶). Pathology reports on the first cows fed with Bt۱۷۶ maize (۱۹۹۷–۲۰۰۲). Scholarly Journal of Agricultural Science, ۶, ۱-۸.
۲۴. Malatesta, M., Boraldi, F., Annovi, G., Baldelli, B., Battistelli, S., Biggiogera, M., & Quaglino, D. (۲۰۰۸). A long-term study on female mice fed on a genetically modified soybean: effects on liver ageing. Histochemistry and cell biology, ۱۳۰(۵), ۹۶۷-۹۷۷
۲۵. Carman, J. A., Vlieger, H. R., Ver Steeg, L. J., Sneller, V. E., Robinson, G. W., Clinch-Jones, C. A., ... & Edwards, J. W. (۲۰۱۳). A long-term toxicology study on pigs fed a combined genetically modified (GM) soy and GM maize diet. J Org Syst, ۸(۱), ۳۸-۵۴.
۲۶. Serra, L., Estienne, A., Vasseur, C., Froment, P., & Dupont, J. (۲۰۲۱). Mechanisms of glyphosate and glyphosate-based herbicides action in female and



male fertility in humans and animal models. *Cells*, ۱۰(۱۱), ۳۰۷۹.

۲۷. Milesi, M. M., Lorenz, V., Durando, M., Rossetti, M. F., & Varayoud, J. (۲۰۲۱). Glyphosate herbicide: reproductive outcomes and multigenerational effects. *Frontiers in Endocrinology*, ۱۲, ۶۷۲۵۳۲.

۲۸. Ingaramo, P., Alarcon, R., Munoz-de-Toro, M., & Luque, E. H. (۲۰۲۰). Are glyphosate and glyphosate-based herbicides endocrine disruptors that alter female fertility?. *Molecular and Cellular Endocrinology*, ۵۱۸, ۱۱۰۹۳۴.

